

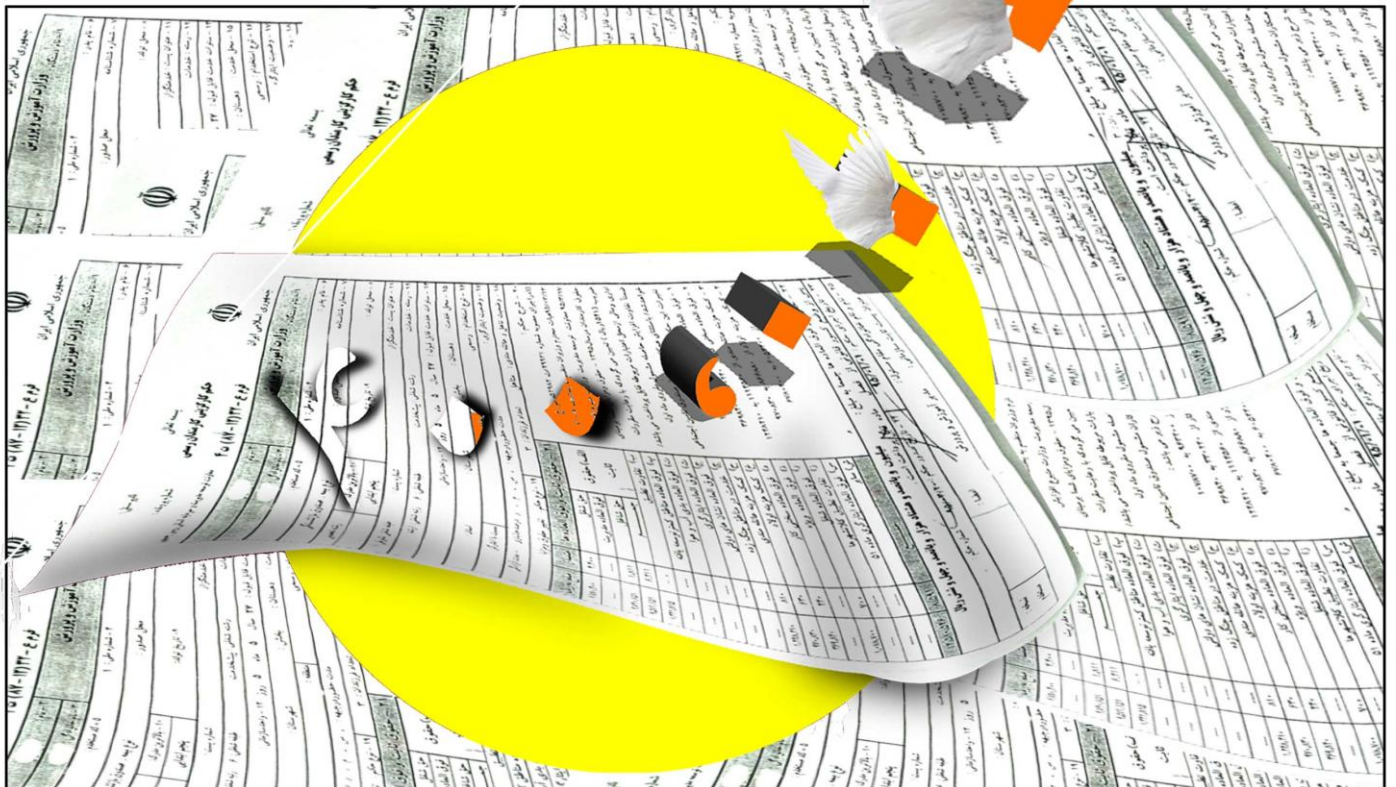
بدون شرح!

سال نوزدهم | شماره ۹۳ | خرداد ماه ۹۸

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی | مدیر مسئول: محمدحیدری

نشریه فرهنگی
اجتماعی سیاسی

۹۳



سخن سر دبیر

خرداد ماه عجیبی است، اتفاقات سرنوشت سازی چون آزادی خرمشهر، رحلت امام و قیام ۱۵ خرداد در این ماه به وقوع پیوسته اند. اینک که بهار قرآنی با خرداد انقلابی در هم آمیخته امید است که دل ها متوجه ندای روحانی قدس باشد. و افتخار آفرینی دیگری را برای خرداد به ارمغان بیاورد. این نسخه از نشریه حیات در شرایطی توزیع می شود که از سویی دوگانه جنگ و صلح مطرح است و از سوی دیگر ندا های گوش خراشی که از هر سو به گوش می رسد. در این نسخه سعی شد تا پرداختن به اهم مسائل روز کشور، آموزش و پرورش و دانشگاه قدری از رسالت خود را انجام داده باشیم.

این شماره از نشریه تقدیم می شود به روح خرداد آفرینان بی ادعا، شهدای عملیات الی بیت المقدس

اندر احوال جنگ و صلح

۱ ترس سلاح
عجیبی است ...

معضلی بنام گرانی

۳ مصاحبه

به بهانه تحریرها

۶ فرصت تحریم

فضای مجازی

۱۱ توثیق نامه

به بهانه طرح معامله قرن

۲ معامله قرن

معضلی بنام گرانی

۵ نشاط یا رقاصی

خوبستن شناسی جوانان

۷ جوانان بخوانند!

زارت می نویسد

۱۲ طمطراق نامه

ترس سلاح

عجیبی است!

نویسنده: امیر حسین منصور کیانی



ترس سلاح عجیبی است!

آنقدر عجیب که عقل و هوش را از سر می پراند و آدمی را وادار به انجام کارهای عجیب تر میکند. یک عده این را خوب فهمیده اند. فهمیده اند که با ترساندن مردم می توانند آنان را وادار به انجام کارهایی مطابق میلشان کنند.

هر کجا که منافعتشان در خطر باشد با دوگانه سازی و ترساندن مردم جو روانی ایجاد میکنند و از آب گل آلود ماهی خودشان را می گیرند. در کشور ما نمونه اش همین موجوداتی هستند که مردم را از جنگ های خیالی می ترسانند. همین ها که زمان جنگ فقط جاهایی از منطقه جنگی میرفتند که کولر داشت!!!

اسمشان "کاسبان جنگ" است.

مردم را از ناو نیامده می ترسانند تا زیر بار افتضاحاتشان در عرصه ی دیپلماسی کم نیاورند. آنهم دیپلماسی پیامکی...

❖ اما

واقعا ماجرای ناو ابراهام لینکن چه بود، که شد

خوراک رسانه های این جماعت؟

اولین بیانیه در خصوص اعزام ناو ابراهام لینکن به یک ماه پیش بر میگردد و در آن ذکر شده است که اعزام ناو طبق برنامه معمول بوده ولی جان بولتون قصد داشته از این موقعیت ایجاد شده برای تحریک افکار عمومی و ایجاد جنگ روانی در داخل ایران استفاده کند و به لطف شیپورچی ها و بزک کن ها در داخل ایران به هدفش نزدیک شد ولی باید بدانیم لزومی به جدی گرفتن تاکتیک هراس افکنی که سلاح اصلی امریکا در مواجه با کشورهایی که توان جنگیدن با آنها را ندارد، نیست.

عده ای از تحلیلگران هدف از این اقدام را صرفاً در جهت افزایش فشار و جنگ روانی برای سوق دادن دوباره ایران به پای میز مذاکره میدانند. مذاکره و قراردادی که قبل از انعقاد آن، یک طرفه بودنش به لطف قرارداد هایی همچون برجام ثابت شده است. با این تفاوت که پیش شرط های مداخله جویانه پمپئو در راستای مذاکره ی منصفانه! به هیچ وجه با شروط مذاکرات گذشته قابل مقایسه نیست و "هیچ انسان با شعوری در باره نقات قوت خود معامله نمیکند."

"مذاکره سم است ، تا وقتی آمریکا این است که الان هست و مذاکره با دولت کنونی آمریکا یک سم مضاعف است . مذاکره یعنی معامله و داد و ستد اما آنچه در نظر

آمریکاست، نقاط قوت ماست." (رهبر انقلاب)

در داخل هم #صدای_ترامپ با وضوح کامل از رسانه هایی هفته نامه صدا به گوش میرسد و سعی دارد القا کند که ظاهرا ما داخل دو راهی جنگ و صلح هستیم، تا با علم کردن یک شخصیت دیگر تحت عنوان "میانه رو" که قصد نجات ما از این جنگ خیالی را دارد، دوباره همان بازی کثیف را بازی کنند.

❖ اما آیا باید به توصیه های

کورکورانه ی ترسو های داخلی و دشمنان خارجی گوش کرد و با تکرار اشتباه دیگری بدتر از برجام، خلع سلاح شد و پس از تبدیل شدن به گاو شیرده دیگری برای آمریکا به سمت فروپاشی ایران اسلامی رفت؟

جواب برای هر انسان شجاع و آزاده ای روشن است، نباید به امر و نهی های آمریکا گوش داد تا دوباره با مهلت دادن و التماس کردن منتظر بد عهدی ها باشیم.

کافیست با حفظ وحدت و تکیه بر توانایی های داخلی به جوانان متخصص مان اعتماد کرد و با مدیریت جهادی حماسه ی دیگری آفرید همان طور که در زمینه نظامی با مقاومت و تکیه بر توانایی های داخلی به جایگاهی رسیده ایم که آمریکا با ۶ تریلیون دلار هزینه در خاورمیانه اعتراف به شکست و عقب نشینی می کند، قطعاً در زمینه اقتصادی نیز می توانیم به این جایگاه برسیم...



معامله

قرن



سلام می داد و شعله می کشید تا شجره
ی زیتون را سریعتر بسوزاند. این معنا را
به عیان می توان در بند زیر دید.

❖ آنچه که در پی می آید

بخش‌هایی از نشریه ی "اسرائیل
هیوم" است که مدعی است به بخشی
از مفاد معامله قرن دست یافته است :

۱. توافقی سه‌جانبه میان «اسرائیل»، سازمان آزادیبخش فلسطین و حماس امضا شده و دولت فلسطینی جدیدی به نام «کشور جدید» در اراضی کرانه باختری و نوار غزه بدون شهرک‌های یهودی (صهیونیستی) ایجاد می‌شود.
۲. تجمع‌های شهرک‌سازی مانند گذشته به دست اسرائیل باقی خواهد ماند، شهرک‌های جدا افتاده به آنها ملحق خواهند شد.
۳. قدس تقسیم نخواهد شد و میان اسرائیل و فلسطین جدید مشترک خواهد بود، ساکنان عربی (فلسطینی‌ها) انتقال پیدا می‌کنند تا جزء اهالی فلسطین جدید شوند. به یهودیان اجازه خرید منازل عربی داده و به عرب‌ها (فلسطینی‌ها) اجازه خرید منازل یهودی داده نمی‌شود.
۴. مصر اراضی جدیدی با هدف ساخت

داند ، و شما را غاصب سرزمین‌های
خویش می‌شمرد . گرچه اکنون جرات
اظهار صریح آن را ندارد"

ایستادگی جبهه مقاومت و ترس همیشه
عیان جبهه از نیل تا فراتیسم همچنان
جرات اظهار نظر صریح را به توده ی نکبت
نداده ولی معامله ی قرن زمرمه ای است
که مدت‌ها در دهان می‌چرخد و در ذهن
ها تجزیه و تحلیل می‌شود و زنگ خطری
است برای کسانی که هنوز از ماهیت ذاتی
دشمن بی‌خبرند.

حرکت رو به جلوی آمریکا در به رسمیت
شناختن قدس بعنوان پایتخت اسرائیل در
دسامبر ۲۰۱۷ و بازگشایی سفارت آمریکا
در ۱۴ مه ۲۰۱۸ (اردیبهشت ۹۷) همان
تجزیه و تحلیل ذهنی است که چگونه از
مخالفت ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به رسمیت بخشی
۲۰۱۷ و بازگشایی ۲۰۱۸ رسید.

از آن موقع که طرح معامله ی قرن به
خیال خام خود برای حل منازعه فلسطین
و اسرائیل پیشنهاد شد موجی از مخالفت
ها را برانگیخت. چرا که در آن اثری از
حل نزاع نبود بلکه بنزینی بود که به آتش

"من کراراً راجع به طمع‌های اسرائیل

تنبّه داده‌ام که اسرائیل اینطور نیست
که اکتفا کند به آن زمین‌هایی که
غصب کرده است. حالا دیدید که
پایتخت خودش را در قدس قرار داده
است و تمام این چیزهایی که از
آمریکا و از طرفدارهای حقوق بشر و
از این محافل و مجالسی که در خارج
هست، اینها تمام یک شعرهای غیر
موزون است ... اینطور نیست که
امریکا جداً مخالف باشد با اینکه
پایتخت اسرائیل در قدس باشد ...
اینها همه یک مانورهایی است که
می‌دهند ..."

آنچه که خواندید جملاتی بود از امام (ره)
که بمناسبت روز قدس سال ۱۳۵۹ بیان
شد. اینک سال‌ها از آن روز و از آن
دشمن‌شناسی دقیق می‌گذرد و صدای
تفنگ‌های غاصبانه این ندای حکیمانه را
به یاد می‌آورد : " من کراراً تذکر داده‌ام
که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می

فرودگاه، کارخانه، تبادل تجاری و زراعی به فلسطین می‌دهد و فلسطینی‌ها اجازه سکونت در این مناطق را ندارند . ۵. فلسطین جدید حق داشتن ارتش و سلاح ندارد و تنها می‌تواند پلیس مسلح داشته باشد.

۶. حماس تمام سلاحش را تحویل می‌دهد و این موضوع حتی شامل سلاح فردی و شخصی رهبر حماس نیز می‌شود. ۷. در صورتی که حماس و ساف، معامله قرن را نپذیرند آمریکا تمام حمایت مالی خود از فلسطینی‌ها را قطع خواهد کرد و تلاش می‌کند تا جلوی کمک هر کشور دیگری به فلسطینی‌ها را بگیرد.

آنچه که مطرح شد در صورت صحت مطلب از پیش شکست خورده و اعتراضات اخیر مردمی فلسطین (که به شهادت چند تن و مجروح و زخمی شدن عده ای انجامید) گواه آن است. و در صورت عدم صحت می‌توان آن را مقدمه ای جهت حساسیت سنجی از کشورهای عربی و محور مقاومت دانست. آرایش اخیر اسرائیل و آمریکا در مسئله فلسطین و سلسله حوادث پیوسته ای چون به رسمیت شناختن تسلط اسرائیل بر جولان اشغالی، پیشنهاد طرح معامله قرن، انتقال سفارت و همچنین همکاری دول عربی با اسرائیل، تروریستی اعلام کردن

سپاه پاسداران و ... نشان از رویدادی دارد که شاید نطق نکبت باز کند و اجازه اظهار صریح به آنان بدهد ... "هر چه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک اسلامی است، از حکومتهاست. حکومتها به واسطه خودخواهی که دارند مع الأسف برای اجانب به طور نوکری عمل می‌کنند و برای ملت خودشان آقایی می‌کنند، و تمام مفاسد را همین نوکری و آقایی در ممالک مسلمین ایجاد کرده است؛ و راه حل اینها به دست ملت است... اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد" روز قدس نزدیک است....

مصاحبه



❖ به گزارش سردبیر سیاسی نشریه حیات در مصاحبه با مهدی عبدالملکی قائم مقام شورای تبیین مواضع کشوری بسیج مطرح شد:

درآمد و حقوق آنها به تناسب افزایش قیمت ها، افزایش پیدا کند بخش زیادی از مشکل زندگی مردم حل خواهد شد. مجلس برای سال ۹۸ قانون افزایش حقوق را طوری تصویب کردند که یک بخشی از این کمبود ها را جبران کند اما متأسفانه الان بحثی در خبرها می بینیم که دولت علیرغم مصوبه و قانون مجلس و علیرغم تخصیص بودجه کافی برای افزایش حقوق ها، این قانون حداقلی را هم اجرایی نمیکند و انواع تخلفات در پرداختی های این قانون را به ثبت رسانده. و دوم عدم توزیع عادلانه منابع

که با بطن زندگی مردم ارتباط مستقیم دارد و هر تغییری در آن میتواند به سرعت بر روی زندگی آنها تاثیر بگذارد. چه در جهت مثبت و رفاه اقتصادی و چه در جهت منفی و مشکلات و تورم و ... چیزی که مردم هم از آن گله دارند و به نوعی راه حل هم در آن نهفته است شاید در یک تقسیم بندی دو قسمت داشته در یک تقسیم بندی دو قسمت داشته باشد، اول عدم افزایش درآمد ها متناسب با میزان واقعی تورم و با ملاک واقعی جیب مردم(و نه آمار و ارقام روی کاغذ مسئولین). در زمان گرانی کسانی که حقوق ثابت دارند مانند کارمندان و و کارکنان کشوری کشوری و لشگری و... افراد اصلی تحت فشار خواهند بود و تنها اگر میزان

❖ گرانی را چطور می بینید؟
بسم الله الرحمن الرحيم واضح هست یکی از معضلاتی که مردم قشر متوسط به پایین جامعه را درگیر خودش کرده، همین تورم و گرانی بی حد و قاعده، اجناس هست. شامل دلایل مختلفی هم هست که شاید در ادامه به آن هم برسیم. اما شاید بشود گفت معضل معیشت مردم اصلی ترین پاشنه آشیل نظام شده که مسئولین طبق وعده هایی که داده اند باید هر چه سریعتر رسیدگی کنند و دیگر طوری برخورد نکنند و حرف نزنند که گویی در برهه انتخابات هستند و باید شعار و وعده بدهند. الان دیگر وقت اقدام است

❖ به نظر شما گرانی روی زندگی مردم چقدر تاثیراتی گذاشته است؟

به طور کلی مسئله اقتصاد، مسئله ای است



یکبار مرداد ماه ۹۷، یکبار آبان ماه ۹۷ و الان هم اردیبهشت ۹۸. یعنی دشمن چاره ای ندارد جز اینکه سعی کند با همین کارهای زرد و تکرار تحریم هایی که قبلا وجود داشته در داخل کشور جو روانی ایجاد کند. چون عملا ابزار دیگری ندارند و چیزی برای تحریم باقی نمانده است و هر ادعایی هم که میکنند دروغ است. تاثیر تحریم ها بر اوضاع اقتصادی کشور خوشبینانه ۲۰ تا ۳۰ درصد است و الباقی سوء مدیریت ها و عدم نظارت و برنامه ریزی و اقدام مسئولین است. یعنی اگر الان تمام تحریم ها هم برداشته شود ما از معضل اقتصادی عبور نخواهیم کرد تا زمانی که مدیریت اصلاح نشود. بسیاری از کارها را میتوان انجام داد که هیچ ربط تعیین کننده ای به تحریم و محدودیت ناشی از آن ندارد. برای افزایش صادرات پیمان های دو جانبه مالی و صادرات با ارز محلی، برای اشتغال، رونق تولید و راه اندازی کارگاه های زودبازده و جلوگیری از واردات بی مورد، برای افزایش ارزش پول و جلوگیری از خروج بی مورد ارز، راه اندازی صنایع پایین دستی و مشتقات نفت و پتروشیمی و... این ها راه حل هایی است که دولت میتواند با تکیه بر داخل و اعتماد به جوانان در داخل کشور انجام دهد و مسئله اقتصادی تا حد زیادی حل شود.

وظیفه مردم در مواجهه

مشکلات چیست؟

مردم عزیز ما باید راهی که تا به امروز با صلابت و با عزت طی کرده اند، با جدیت ادامه دهند و این را قطعی بدانند که دشمن با مقاومت عقب نشینی خواهد کرد

هم از جنگ نرم، روزرسانی شد. تا قبل از آن ایشان جنگ نرم را، عامل تسخیر قلوب و مغزها معرفی میکردند اما بعد از آن ایشان فرمودند جنگ نرم عبارت است از تغییر نظام محاسباتی مردم و مسئولین. به بیان ساده تر یعنی دشمن طوری زمینه چینی میکند که قوه ی تحلیل ما از شرایط بگونه ای رقم بخورد که او طراحی کرده است و در نهایت مردم و مسئولین بر اساس آن تحلیل، طوری تصمیم بگیرند که دشمن میخواهد. در این کارزار، عامل اصلی ایجاد جو رسانه ای و جنگ روانی است و چشم امید آنها هم در داخل کشور به کسانی است که این جنگ روانی را در داخل ضربه دهند و پر رنگ کنند. تنها گزینه ی دشمنان علیه ایران برخلاف ادعاهای بی اساسشان، تنها تحریم است چون خوشان هم میدانند که هرگز از پس هزینه های اقدام نظامی علیه ایران برنمی آیند.

تحریم ها هم علیه ایران از اول انقلاب و بعد از تسخیر لانه جاسوسی عملا شروع شده است. و اکنون هم تقریبا میتوان ادعا کرد چیزی باقی نمانده است که تحریم نکرده باشند. اما خودشان هم میدانند که اگر بنا باشد عایدی ای از تحریم ها داشته باشند، آن در زمینه ی جنگ روانی و همان تغییر نظام محاسباتی خواهد بود و نه چیز دیگری.

به عنوان شاهد مثال اخیرا آمریکا صنایع فلزات ایران را تحریم کرد. جالب است بدانید فرمان تحریم فلزات ایران از سال گذشته برای بار سوم صادر شده است!

. به جرات میتوان گفت مردم بیش از آنکه از کمبودها گله داشته باشند از توزیع نا عادلانه ثروت گله دارند. حرف مردم به درستی این است که اگر بنا به فشار و سختی هم هست باید همه اقشار جامعه یکسان باشند نه اینکه عده ای در این فشار دست و پا بزنند و عده ای دیگر اتفاقا ثروتمند تر از گذشته بشوند و شب و روز جلوی چشم همه مردم مانور تجمل بدهند.

باید فکری جدی به حال مفسدین اقتصادی و دانه درشت ها و آقا زاده ها، حل فساد ها و برچیده شدن سازوکار ها های فساد زا و تصویب قوانین نظارتی و مالیاتی و بازدارنده از ایجاد فاصله طبقاتی و بازدارنده از انجام فساد، کرد.

- یک نمونه از این قوانین قانون مالیات بر عایدی سرمایه هست که از سال ۹۳ جلوی آن را گرفته اند و وزیر سابق راه و شهرسازی هم با افتخار وقیحانه ای اعتراف میکند که این کار را انجام داده است.

نمونه دیگر برخورد با مفسدین بدون در نظر گرفتن نسبت آنها با مسئولین هست که الحمدلله شاهد آن هستیم که این کار شروع شده و نیاز به حمایت دارد.

قدرت تاثیر تحریم ها بر ثبات اقتصادی چقدر است؟ وظیفه مسئولین برای مقابله با تحریم ها چیست؟

ببینید بیا باید تحریم ها را از زاویه ی دیگری نگاه کنیم. بعد از فتنه ۸۸ و شروع موج جدید تحریم ها علیه ایران از سال ۸۹ و ۹۰، اگر در بیانات مقام معظم رهبری دقت کرده باشید، تعریف ایشان

گرافیک

(ادامه مصاحبه) ... به قول مقام معظم رهبری خیلی از کارشناسان دنیا اذعان کرده اند که این فشار ها اگر در هر کشور دیگری بود قطعاً اتفاقی در آن می افتاد اما ملت ایران با مقاومت خودشان هر زورگویی را سر جای خودش نشانده. مردم بدون واهمه از ادعاهای واهی دشمن و بدون تاثیر پذیری از آن ها باید راهی که شروع کرده اند را با قوت ادامه بدهند. البته مردم ایران همیشه ثابت کرده اند که جلو تر از همه مسائل را میفهمند و اقدام میکنند و از اهدافشان حفاظت میکنند.

نقش دانشجو در فرهنگ سازی اقتصادی؟

نقش آفرینی دانشجو و دانشگاه را میتوان هم در بعد علمی و ارتباط صنعت و دانشگاه و تولید دانش بنیان دید و هم در زمینه تصمیم سازی و گفتمان سازی. بنده بیشتر دومی را توضیح میدهم. همانطور که عرض شد هدف دشمن تصمیم سازی برای مردم است. دانشجویان هم اما میتوانند برای مردم تصمیم ساز شوند.

آنقدر تکرار کنند و از جهاد تبیین خسته نشوند تا حرف آنها به گفتار و گفتمان رایج مردم تبدیل شود و اگر این شد مردم بر آن اساس تصمیم میگیرند. پس نقش دانشجو در این زمینه هم ارز تمام هدف و تمرکز و برنامه دشمن است که میتواند با اقدام دانشجویان نقش برآب شود. **ممنون از شما**

"«نشاط»، یعنی باید آنجا بزن و بکوب و رقاصی و [امثال اینها باشد]! نشاط این نیست؛ نشاط یعنی جوان سرزنده باشد، پژمرده نشود؛ با ورزش، با فوق برنامه های آموزنده و جذاب، با این چیزها، نه با آن کارهایی که شنیده ام در بعضی از مدارس میشود، البته اینها را باید شماها مراقبت کنید، دنبال بکنید؛ یعنی مسئولیت مستقیمش به عهده ی خود آموزش و پرورش است."

شادمانی احساسی است که همه ما به دنبال آنیم و در خود، خانه، محل کار، مدرسه به جست و جوی آن می پردازیم. مشخصه چنین احساسی قدردانی، آرامش درونی، احساس رضایت و علاقه به خود و دیگران است. مسئله شاد بودن در مدارس خود به تنهایی هدف آموزش و پرورش نیست بلکه وسیله ای است در جهت نیل به اهداف آموزش و پرورش. چراکه شادی افزایش دهنده ی آگاهی، خلاقیت و فعالیت های دانش آموزان و تسهیل گر روابط اجتماعی آنهاست. همچنین شادی موجب حفظ سلامت روحی و جسمی دانش آموزان می گردد و در نهایت دانش آموز را برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش که تربیت یک انسان کامل، سالم، متدین و آماده برای زندگی در جامعه است مهیا می کند. از این رو دستیابی به

شادی در مدارس باید در چهار چوب ارزش ها و در راستای رسیدن به اهداف اصلی آموزش و پرورش باشد. شاد کردن مدارس با زور ترانه های مبتذل و بی ارزش و یا مشغول داشتن دانش آموزان به انواع بازی های رایانه ای و از این قبیل فعالیت ها مدرسه را تبدیل به کلپ های بازی و سرگرمی می کند و از غایت خود دور می سازد. البته پخش ترانه های شاد و مفید و متناسب با اهداف تربیتی مذموم نیست و چه بسا توصیه نیز می شود.

شادی در مدارس نباید موقتی و دوره ای باشد بلکه باید دانش آموز در تمام ساعاتی که در مدرسه حضور دارد احساس رضایت کند ؛ در واقع چه زمانی که در کلاس درس است و یا زمانی که در زنگ ورزش و تفریح به سر می برد، حتی زمانی که امتحان دارد و یا در حال تحقیق و آزمایش است، بایستی از اینکه به مدرسه میرود و کسب علم و دانش می کند احساس مسرت نماید نه اینکه از مدرسه فراری باشد و هر صبح شنبه با غم و اندوه راهی مدرسه گردد، چه بسا برای رفتن به مدرسه شور و اشتیاق نیز داشته باشد. دانشجویان باید با فکر خودشان و با عمل انقلابی خودشان و تزریق روحیه انقلابی به جامعه به مردم خدمت کنند، و همزمان مسائل را برای مردم تبیین کنند.

تحقق این مهم در مدارس امری است ضروری و مسئول امر آن آموزش و پرورش است که با برنامه ریزی کلان می تواند تعریف درستی از مقوله نشاط ارائه و سپس اجرایی کند، غفلت از این مسئله و رها گذاشتن مدارس از مفاهیم روحی و روانی سبب بروز مشکلاتی چون وقایع اخیر می شود، قطعاً انجام کارهای ضرب الاجلی برای پنهان کردن مصادیق آن مشکلی را حل نمی کند و ممکن است چندی بعد دوباره آتشی از زیر خاکستر سر بر آورد. **حرکت در بستر شاداب سازی، مستلزم تغییرات گسترده و بنیادین در نظام آموزش و پرورش است.**

شاداب سازی محتوای برنامه های درسی و روشهای تدریس، افزایش مشارکت دانش آموزان در مدرسه، ارتقا کیفیت و کمیت امکانات آموزشی، اهمیت دادن به فعالیت های فوق برنامه، ارتقاء ارتباط والدین با مدرسه، توجه به ویژگی حرفه ای معلمان، ارائه روشهای تدریس جدید و فعال، تغییر در برنامه های درسی و فعالیت هایی از قبیل: رنگ آمیزی، فضا سازی و تجهیز کلاس و مدرسه، آموزشهای ضمن خدمت معلمان برای آشنایی با روشهای تدریس جدید، می تواند از جمله راه حل های این موضوع باشد.



فرصت

تحریم

نویسنده : احمد رضا گلچین



برندهای جهانی خودرو را تولید می کند، روزگاری جهت خودکفایی در صنعت خودروی با کیفیت، شرکت های خوروسازی خارجی موجود در کشور را تعطیل کرد و با حمایت از خودروسازان داخلی توانست در طی چند سال خودروهای باکیفیت را تولید کند. حال تحریم و مشکلات ارزی کشور این بستر را جهت خودکفایی ما در صنایع مختلف فراهم کرده است. اگر زمانی که کشور شوروی از هم پاشید و دولت های استقلال یافته سلاح های باقی مانده از زمان شوروی را به حراج گذاشتند، ایران جهت خرید آن اقدام می نمود هرگز به قدرت و پیشرفت نظامی و موشکی کنونی نمی رسید. زیرا تمایل و اشتیاقی برای خودکفایی باقی نمی ماند. کما اینکه پیشرفت هسته ای ما نتیجه تلاش دانشندان کشورمان بدون کمک کشورهای خارجی می باشد.

۲) گرچه تحریم ارزی باعث شده کشور در تامین دلار با مشکل مواجه شود اما همین تحریم می تواند ما را از بند و وابستگی به دلار رهایی بخشد کما اینکه که باید سال ها قبل از آن مستقل میشدیم و با کشورهای مختلف جهان با ارزیابی غیر از دلار مبادله می کردیم تا آمریکا نتواند هر زمان که اراده کرد در تجارت ما با دیگر کشورها اختلال ایجاد کند.

ایرادات موجود در ساختار بانکی، نقدینگی بسیار بالا، معیوب بودن نظام مالیاتی، وابستگی به واردات بسیاری از کالاها و... می باشد و تحریم به خودی خود تنها باعث ۲۰٪ مشکلات کنونی شده است به بیان دیگر تحریم ها در کنار مشکلات اقتصادی یک کشور معنا پیدا می کنند و تاثیرگذار خواهند بود..

حال چه باید کرد؟ جهت رفع ۲۰٪ از مشکلات اقتصادی عناصر قدرت خود را معامله کنیم و آن ۸۰٪ را با مسکن درمان کنیم تا در روزگاری دیگر دوباره سر باز کند و متورم شود؟ و یا اینکه در زمان تحریم که باعث شناسایی تقریباً تمام مشکلات ساختار اقتصادی کشور شده، آستین بالا زده تا علاوه بر حل ریشه ای مشکلات نظام اقتصادی کشور و مقاوم کردن آن (اقتصاد مقاومتی) ۲۰٪ اثر تحریمی به خودی خود رفع شود. تحریم های اقتصادی گرچه باعث محدودیت هایی می شوند اما می توانند به عنوان بسترهای مناسبی جهت حل مشکلات داخلی اقتصاد یک کشور عمل کنند. می توان از مصادیق بسیار آن به چند نمونه ذیل اشاره کرد:

۱) جهت حل مشکل نقدینگی بالا، نیازمندی به واردات بی رویه کالا و بیکاری باید تولید کشور را گسترش و رونق داد. کشور ژاپن که در حال حاضر بهترین

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی دولت آمریکا رابطه خود با ایران را براساس دشمنی و تخاصم بنا نهاد. گذشته از توطئه های گوناگون، تحریم یکی از ابزارهای اصلی و همیشگی آمریکا علیه ایران به شمار می رفت. در روزهای سخت جنگ تحمیلی که واردات سلاح به ایران ممنوع بود و ارتش صدام به پیش رفته ترین سلاح های آن روز مجهز بود. ملت ایران با اتکا به توانایی های خود و استفاده از ظرفیت های کشور توانست این جنگ را با موفقیت پشت سر بگذارد. شاید دلیل آمریکایی ها برای تشویق صدام جهت حمله به ایران پیش بینی آنان از عدم توانایی ما جهت استقامت مقابل ارتش مجهز صدام و عدم خودکفایی در استفاده از تجهیزات نظامی بود. همین پیش بینی و تصور غلط باعث شد که صدام به عنوان یکی از نوکران منطقه ای آمریکا شکست سنگینی را متحمل شود که در نهایت به سقوط نظام بعث ختم شد. در دوره کنونی نیز به نظر میرسد که آمریکا با پیش فرض اقتصاد مریض، دارای عیب و عدم توانایی مدیریت آن توسط ایرانیان دست به تحریم همه جانبه اقتصادی زده است. بنابر نظر اغلب کارشناسان داخلی و خارجی عمده مشکلات اقتصادی کنونی ایران نتیجه ایرادات ساختار اقتصادی کشور (وابستگی ۴۰٪ بودجه کشور به فروش نفت خام،

جوانان بخوانند؟

فرهنگه: فریاد



یکی از مسائلی مبتلا به همه ی جوانان در عصر حاضر خلا خویشتن شناسی واقعی است. خویشی که یا در کتاب نوشته شده باشد و یا اینکه در مقابل دیدگان (در قامت الگو) ظاهر شود؛ بدون شک تمسک به راه دوم نوعی نسبی گرائی را به وجود می آورد. به این معنا که: کسی که خویش نوشته شده و معیار را نداند نمی تواند فردی را که رو به رویش قرار گرفته را الگو بداند یا نداند؟ و این خود عامل غفلت و سوء استفاده از یک طرف و بیهوده زندگی کردن از سوئی دیگر می شود.

سلاح جوانان در پیچ تاریخی عصر حاضر احساس آگاهی به خویشتن است؛ خویش واقعی. کسی که می داند از کجا

آمده در کجا قرار دارد و به کجا خواهد رفت...

رهبر انقلاب در تبیین این خویش واقعی عرصه ای را در برابر جوانان گشود که جوان مومن انقلابی نام داشت.

جوانی که از لایه های خودسازی عبور کرده و نهایتاً به تمدن سازی می رسد. این جوان شاید در نگاه اول کیلومترها با خویش موجود ما فاصله داشته باشد ولی دست یافتنی است.

- او کسی است که گذشته خود را به خوبی می داند و تاریخ می خواند و پای بند به تعلقات معنوی، سرزمینی و خانوادگی است. خود را همواره در برابر خدا می بیند؛ مخلص است یعنی کار را برای خدا انجام می دهد نه برای خوشامد دیگران، اهل امر به معروف و نهی از منکر است (اما اجازه سو استفاده نمی دهد) اهل دعا، اعتکاف و خوش بین به فرهنگ اسلام است.

میانه رو است (بالعدل قامت السماوات و الارض) نه در عبادت افراط می کند و نه در برخورد با دیگران اهل تفریط است.

خوش روحیه است و در ارتباط با دیگران به دنبال هم افزایی است. عقایدش متقن، مستدل و ثابت است نه ارثی. معتقد به استقلال فکری است و در مقابل موافقان عقیده اش به دنبال کسب دانش بیشتر و اقناع مخاطب است و در مقابل مخالفان عقیده اش به دنبال کسب دانش بیشتر و اقناع

مخاطب است و در مقابل مخالفان عقیده اش با جدال احسن بحث می کند و از بدگوئی و سرزنش دیگران نمی ترسد.

چنین جوانی با درک از شرایط زمان و مکان و درک تاثیر علم نافع بر رشد روح و روان انسان و درک تناسب بین افزایش ایمان و افزایش دانش (کشف قوانین خداوندی و نظم کائناتی) در مسیر علم گام بر می دارد. و در قید و بند موانع نیست و به دست به کار انقلابی می زند و دروازه های دانش را می گشاید و هر کجا که باز می ماند به خدا توکل می کند و هر چه پیش می رود بر ایمانش افزوده می شود.

چنین جوانی صرفاً در قالب عبودیت و دانش نمی ماند. ضمن پیشرفت در آن ها، پرانگیزه و مطالبه گر است، انقلاب را خوب می شناسد، مبانی امام و انقلاب را خوب می داند و آن ها را تقویت می کند. و به آنان ایمان و یقین دارد، هر کجا لازم باشد از آنان دفاع می کند.

دشمن (اخلاق، بشریت، تفکر، اندیشه، دین و کشور) شناس است، آگاهی سیاسی و بصیرت دارد، به استقلال کشور پای بند است، آرمان گراست، تقوای دینی و سیاسی دار. و هیچگاه نا امید از آینده ای نیست که خود او در حال ساختنش است.

این چنین انسانی که از سوئی عالم است و از سوی دیگر عابد و نهایتاً انقلابی و جمع گرا آماده ی پذیرش مسئولیت های بزرگ و خدمت جهادی است.

اوست که می داند از کجا آمده در کجا قرار دارد و به کجا خواهد رفت؟ و معیاری است برای دیگران

و همواره در خط مقدم



تربیت اقتصادی

نویسنده: محمد صالحی

۸

آموزش و پرورش به مسئله آموزش اقتصاد و سواد مالی اشاره شده ولی جای خالی آن در مدارس به وضوح دیده می شود.

اجتماعی فاقد دانش و اصول اولیه اقتصادی است و در تحولات اقتصادی، توانایی کافی از خود بروز نداده و در مواجهه با آنها رفتار عقلانی و مبتنی بر ارزش ها و مقتضیات ملی از خود نشان نمی دهد. آموزش های رسمی و غیر رسمی نیز مانند آموزش و پرورش و رسانه ها بر اساس عقلانیت اسلامی و بومی نیست.

بر اساس تئوری های جدید علمی آن دسته از سیاست های اقتصادی موثر و مفید خواهند بود که مردم رفتار مناسبی را در پاسخ به آنها از خود نشان دهند چرا که در غیر این صورت با شکست مواجه خواهند شد. پاسخ مناسب هم از طرف مردم ناشی از آگاهی و اندیشه و چارچوبی سازگار و منطقی است که این امر از طریق تربیت و آموزشی منسجم امکان پذیر است.

انتشار دانش اقتصاد در مدارس از وظایف واحدهای آموزشی است و آموزش سواد مالی و کارآفرینی باید از همان سنین کودکی در بستر مدرسه و آموزش قرار بگیرد. چرا که در سنین ابتدایی زندگی ارتباط بین سلول های مغز بسیار است و

ضریب حساسیت یادگیری در انسان به طور چشمگیری بالا می رود. در سند تحول

اقتصاد از بنیان های اساسی زندگی است. توانایی مدیریت اقتصادی در زندگی شخصی و حرفه ای وابسته به دانش و مهارتی است که از سنین اولیه کودکی شکل می گیرد.

از این روست که برنده جایزه نوبل اقتصاد، پروفسور آمارتیاسن، بر این باور است که یادگیری سواد مالی در دوره کودکی، نسل آینده جامعه را برای زندگی با توانایی مالی مطلوب آماده می سازد.

رفتارهایی که از افراد جامعه ظهور پیدا می کند ناشی از نوع بینش ها و نگرش هایی است که در فرایند تربیتی خویش کسب می کنند، که به نوعی مهمترین عامل در شکل گیری گرایش ها و رفتارهاست.

از این مسئله اهمیت و ضرورت تربیت اقتصادی معلوم می شود که همواره مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی و اجتماعی در کشورهای پیشرفته بوده که البته منطبق بر دیدگاههای آنها از زندگی مطلوب است و برای اجرایی نمودن آن نظام آموزشی تدارک دیده اند به طوری که صدها مرکز آموزشی به این امر پرداخته و صد ها میلیون مخاطب از کودکان تا بزرگسالان را تحت پوشش قرار می دهند.

جهان امروز در یافته که آموزش و تربیت افراد نوعی سرمایه گذاری ملی است. هدف از این آموزش ها، فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد برای آحاد جامعه است به نحوی که در مسائل اقتصادی شخصی و سیاستهای اقتصادی کشور درک و قضاوت و رفتار عقلانی صحیحی داشته باشد.

اما در جامعه ما به علت نبودن آموزش صحیح فرد در هنگام ورود به زندگی خانوادگی و عهده دار شدن مسئولیت های



طرح ولایت

کلید واژه هایی که رهبر عزیز انقلاب از سال ۷۷ تا بحال متذکر می شوند...
حال نوبت ماست که وظیفه ی خود را نسبت به ولایت انجام دهیم! شهدا وظیفه ی خود را انجام دادند و این شجره ی طیبه را حفظ کردند و به نسل امروز که ما جوانان هستیم تحویل دادند.
اهمیت ولایت ساعت ها جای بحث دارد و همین اهمیت ما را به شرکت در این دوره ها ترغیب می کند.
در اهمیت ولایت به قرآن رجوع می کنم و از آیه ی «الله ولی الذین امنو یخرجهم من الظلمات الی النور...» استمداد می طلبم.
انشاءالله امسال شاهد هر چه باشکوه تر برگزار شدن این دوره باشیم .

میشدند، عده ای دیگر در خیابان هفتم...
اما هنوز هم این خیابان ها و مسیرها و کوچه و پس کوچه های هدایت ادامه دارد...
گروه های زیادی وارد خیابان امام خمینی (ره) شدند اما بعد حتی خیابان امام خامنه ای را هم قبول نکردند و ولایت را فراموش کردند...
اما عیب کار این آقایان از کجا بود، چه شد حسن مجتبی (ع) را تنها گذاشتند و حسین را در کربلا بی یار و یاور...
چه شد زیدیه آمد و بعد اسماعیلیه، چه شد بعد غیبت صغری ولایت را گم کردند...
چه شد به خواست امام زمان (عج) عمل نکردند و به فقها رجوع نکردند... جواب این سوال ها در منویات رهبر معظم انقلاب است...
ضعف معنوی و معرفتی و بصیرتی!
ضعفی که قدرت تشخیص حق را از ما می گیرد!
بحمدالله این فرصت برای ما هست که خود را به این سه سلاح مهم یعنی معنویت و معرفت و بصیرت تجهیز کنیم...
حقیقتا طرح ولایت آمیزه ای از معنویت و معرفت و بصیرت است...

” طرح ولایت، آمیزه ای از معنویت و معرفت و بصیرت است.
قال الباق (ع) :
بنی الإسلام علی خمس : علی الصلاة والزکاة والصوم والحج والولایة. ولم ینادَ بشیء کما نودی بالولایة، فأخذ الناس بأربع وتركوا هذه!
بشر از ابتدای خلقت با دو راهی های زیادی روبه رو بوده است و شاید همین دو راهی ها و انتخاب ها زندگی ما را تشکیل داده است.
عده ای کمی در مکه به رسول خدا ایمان آوردند و پایه های امتی را تشکیل دادند.
بعدها که امت اسلامی تشکیل شد و به تعبیر امروزی جامعه ی حجاز وارد اتوبان محمد رسول الله و اسلام شد، دو راهی سخت و حساس ولایت و امامت پیش آمد... خودمانی بگویم:
آنها که وارد جاده و مسیر علی (علیه السلام) شدند بعدها باید وارد خیابان حسن مجتبی (ع) میشدند اما حیف که صدای سکه های اموی مفسر بزرگ قرآن را هم فریب داد!
و بعدها مسیر سرخ حسین (ع)!
این خیابان ها و مسیرهای هدایت ادامه داشت عده ای در خیابان چهارم متوقف

زدن خیلی سخت تره اما شیرینه .
آماده کردن بچه ها برای ساخت دوباره شهرشون و خیلی کار های دیگه که از بیل و اما تیم کارآفرینی ؛ کارش حل کردن مشکلات مردم، از دعوها و مشکلات بر سر آب گرفته تا جون تازه دادن به کسب و کارهایی که توی سیل داغون شده البته با همت خود مردم و پیگیری ها و نامه نگاری هایی که با مسئولین انجام میدن شاید در ظاهر چهارتا صحبت و کاغذبازی ولی در باطن بعضی مواقع باعث حل مشکلاتی میشه که سالهاست حل نشده، به مردم یاد میدن چطور با توجه به امکانات منطقشون شغلی رو راه بندازن و پول دربیارن.
یه تعداد جوون که از خوابشون میزنن، از تفریحاتشون میزنند، از خانواده میزنن تا دردی از درد این مردم و ولی نعمتشون درمان کنند و باری رو از رو دوششون بردارند.

اونجا آسمونش به زمین نزدیکتره و حال هوای دیگه ای داره ...
فقط باید بیای تا بفهمی...
اگر هستی بسم ا...

میشه اینجاست که گروه های پزشکی منطقه رو ترک میکنن و کمک های مردمی کم کم تموم میشه و میرن خونه هاشون و مردم میمونند و خونه نداشته و کار از بین رفته و هزار و یک مشکل دیگه، مثل بعد از زلزله کرمانشاه که مردم آواره موندن، اینجاست که تازه کار جهادی ها دوباره شروع میشه.
یک گروه میرن گل و لای خونه هارو تمیز میکنند البته اگه چیزی ازشون باقی مونده باشه اونم تازه اگه مثل خونه های سرپل ذهاب داغون نشده باشه و قابل سکونت باشه.
اگه خراب باشه که میرن برای محروماشون خونه میسازن.
و اما بچه های کوچک ، تا چندماه خواب سیل میبینند و شب ها از ترس از خواب میپرنند و این ترس تا مدت ها تو وجودشونه ، اینجا یه عده ای میرن ما بهشون میگی تیم فرهنگی.
ازنظر بقیه ساده ترین کار رو اینا دارن ولی در واقعیت سخت ترین کار رو دارن. چون باید تربیت بکنند اونم تو شرایط مختلف ، از از بین بردن ترس کودکان از سیل گرفته تا آگاه سازی برای حوادث طبیعی و دلگرمی دادن و

حکایت جهاد
اینجا نه مرد میشناسد نه زن، نه دانشجو نه استاد، نه انقلابی نه غیر انقلابی، از هر قشری و مذهبی و تفکری میان اما هرکس اجازه ورود ندارد، اینجا فقط عاشقارو راه میدن والسلام
حتما خبرهای سیل های اخیر رو شنیدین، خیلی سخته یک نفر عزیزانشو از دست بده؛ ولی من یک چیز سخت تر میخوام بهتون بگم اونم اینه که ما بشینیم تو خونه و رو بالشت لم بدیم و تخمه بشکونیم و هی تاسف بخوریم برای سیل زده ها.
خیلیا موقع سیل رفتن کمک و برگشتن خونشون ولی وقتی آب کامل بیاد پایین تازه سختی ها و مشکلات شروع میشه، اونجاست که جهاد شروع میشه و میگن «هرکه دارد هوس کرب و بلا بسم ا...»
این قافله عشق عجب میگذرد/ هرکه دارد به دلش عشق محال است نرود
اینجا صفر عاشقیه، یعنی میخوای شهید شی از اینجا باید شروع کنی
وقتی آب بیاد پایین تازه کار اصلی شروع

خاتمی در دهه ۷۰ با جامعه مدنی و پلورالیسم به قروپاشی مرکزگرایی مردم سالارانه ولایت فقیه می اندیشید، شهردار تهران پای کارش بود؛ اینک با طرح فدرالیسم، حسود به ولایت قروپاشی دور باد از تو اندیشه بدان! pic.twitter.com/reCSp1Pnyd



mohsen heidari @heidanimohse...
۰۷s
انفجارهای #فجیره نشان داد رئیس کمسیون سیاست خارجی #مجلس باید در اظهاراتش وقت کند و برای کشور هزینه نپردازد و احتمال مداخله #رژیم صهیونیستی در افغانستان فحشیه با هدف هل دادن #ترامپ پسوی #جنگ را از نظر دور ندارد
twitter.com/drFalahtpishe...
۰9h
انفجارهای فجیره نشان داد امنیت جنوب خلیج فارس همیشه ای است.



علی اکبر رائی پور
@A_RaeiPour
پس از #حشد الشعی نوبت تخریب دیگر سرمایه جبهه مقاومت بود در نگاه #مدیریت انقلابی مجرم حریمان و در نگاه لیبرالها همچون سوخت بیست درصد و صرفا وسیله ای برای معامله بر سر میز مذاکرات یا حرامیان



سید سعید لواسانی
@Lavasani_Saied

خوشبختانه از #تقوۀ قضائیه خبرهای خوبی می رسد. این که مبارزه با فساد خط قرمز نمی شناسد، و پرونده #لولاسانات در حال پیگیری است، خبرهای خوبی هستند. امیدوارم با شفافیت مسائل، حقوق بیت المال و مردم استیفا شود و دست مفسدان از جامعه کوتاه گردد. #ببرخورد_اراده ها



سیدمهدی الله مهاجرانی
@MohajeriSaied

گفتم اگر آمریکا در خاورمیانه جنگی را شروع کند، سرنوشت جنگ شبه سرنوشت شخصیت کانتول، در زمان آن سوی رود تیزال ناتوان: can't we'll! شکست خورد و اسرائیل در خاورمیانه در ۴۰ ساله گذشته همیشه شکست خورده است.



Hedayatkhademi
@Hedayatkhademi

وزیر محترم علوم و آموزش عالی، رئیس محترم کمسیون آموزش و اعضاء محترم کمسیون مجلس، اگر فرزندان خود را هم جزء دانش آموزان سبیل زده بودند همین برخورد را میکردید؟ انتظار است که کنگره های مناطق سبیل زده باشید و بفکر نگری نکید فرض کنید سبیل زده اید



امیرحسین تابتی
@sabeti_twt

جدا از اینکه قرار است بخشی از خسارت های مردم سبیل زده از منابع اعتباری مختلف تامین شود، باید کمپین جداگانه ای راه بیفتد تا هر کدام از مسئولین انتخابی و انتصابی، حداقل #نیمه ای حقوق یک ماه شان را تقدیم مردم این مناطق کنند. اگر مردم ولی نعمت مسئولان، آقایان شعار ندهند و عمل کنند.



وحید یامین پور
@yaminpour

این عزیزه گراهایی که به دختران چادری لگه می زنند را قیاس کنید با آنها که به خاطر اعتراض به نیکسون جان دادند. از کجا تا به کجا

توئیت نامه

طمطراق نامه



نویسنده

جناب زارت



زارت دیگر طمطراق اسبق را ندارد!

جان به قربانتان عرض کند که درست به سمعتان رسید، زارت دیگر مثل قبل طمطراق ندارد. طمطراق را که لابد می دانید چیست؟

واژه ای است غیر مستعمل که اصحاب لغت شاهکار ها در وصفش گفتند تا دبدبه و کبکبه ای برای خود دست و پا کنند.

کاغذ پاره ها را که ورق می زنی تا از معنی مستعملات و غیر مستعملات شیر فهم گردی به این دست از لغات حتما بر می خوری، همین چند گاه پیش تب کردم و بلا به دور یادم رفت که دانشجو ام - و به حسب این خصال بی مثال نباید - سری به دفتر و دستک بزنم. رفتم سر وقت فرهنگ لغت تا دنبال نا مانوسات بگردم، تورقی کردم در جوجه نامه آخر دائره المعارف در مداخل بعد اخری به، ویژه خواری رسیدم، اگر نبود توجیهات و تفضیلات صاحبان سخن شاید نمی دانستم که واژه ای چندان غیر مستعمل این همه سوابق و لواحق بر طمطراق دارد.

با این همه طول و تفضیلات و معروضات همچنان زارت زنده است، چرا که قطار طنز مکتب خانه مان در همان مسیری پیش می رود که ریش در سینه سابق گذاشته شد.

از بدایع و خلقیات روزگار معلوم الحال ماست که گویندگان سخن - نگذارید دست وی به نگارش مجدد بر طمطراق برود- نحوه دیگری برای عمل دارند، از دیگر بدایع عصر ما جریان قلدر مآب است که چون از ماست، پس بر شماست. زارت مگر دیوانه شده که بگوید مسئولان دانشگاه سالن هماهنگ شده که مطابق آداب و سنن مرسوم که هر که کلید دارش می شد صاحبش می شد این بار نعل وارونه زدند.

چه ربطی به زارت دارد که بگوید چرا دانشگاه شورای صنفی ندارد، چرا نمک شور است، چرا سحری و افطار گاها کم است. مگر زارت از جانش سیر شده ...

چرا باید زارت از عدم افزایش حق الزحمه ناچیزش بنالد مگر دندان اسب پیش کشی را می شمردند؛ مواهب و

عطایایی که بر سر وی منت می گذارند و سر برج تا برج به دفترچه منگوله دارش می ریزند تا زارت مادر مرده بعد ساعت ها در صف ایستادن موفق به اخذ چندر غازش شود. زارت بیچاره نمی داند که مدت هاست دم و دستگاه این مدل بانک ور افتاده. شاید زارت میدانند که قرار است روز به روز را به قربان دیروزش سپری کنیم.

شاید دوباره می خواهند دست و پای زارت مآبان را بلرزانند؛ یک روز دم از اجباری طلاب گرامی می زنند، روزی هم در فرمولی سخت که شاید طمطراق السلطنه ها بدعتش را گذاشته اند. حق الزحمه همین قماش طلاب را محاسبه کنند. یکی را ۳ قرون و ۲ شاهی می دهند. دیگری را ۳ شاهی و ۲ عباسی و بعید هم نیست به حساب زارت مادر مرده ۳ عباسی ریخته باشند.

مگر زارت دیوانه شده که بگوید جناب وزیر چرا خوابی، هفت قرآن به میان مگر وزرا می خوابند. امان از بدعت هایی که زارت می گذارد.

لابد همین زارت است که تا دیروز گمان می کرد که کارمند است و حق الزحمه بگیر، امروز از جرگه مستان برون جسته و به وادی جیره بگیران پیوسته.

جناب وزیر، زارت بچه است، طمطراقی هم ندارد. از او در گذرید بگذارید با ۳ عباسی جیره ای که برای وی مرحمت فرمودید ماستش را کیسه کند- تا خدای نکرده صدایتان در جلسه وزرا و وکلا و رؤسا بلند نشود که چرا بدعت های رنگین می گذارند. جناب وزیر یادتان هست که با درشکه ای از امتیازات به سرای تربیت معلم آمدم، روزی چرخش را باز کردند و بردند روز دیگر تخته هایش را بردند، لاجرم روز دیگر با منفصل از خدمت کردن مان منکر درشکه خواهید شد.

وزیر که بر چشم ما جا دارند و زارت هم ارادت خاصی به وزیر دارند بالاخره ایشان بزرگ ماست. اگر تو سری هم به ما بزنند به جایی بر نمی خورد ان شا الله بعد از دیدن جمال بی مثال وزیر که مرحمت فرمودند و بعد این همه دعوت- که جناب وزیر ما را قابل ندانستند- این بار قبول زحمت کردند. صدقه شریات و بلیات واصله این چند روزه را خواهیم داد.